

# گل آقا مبارز انقلابی در سنگر طنز

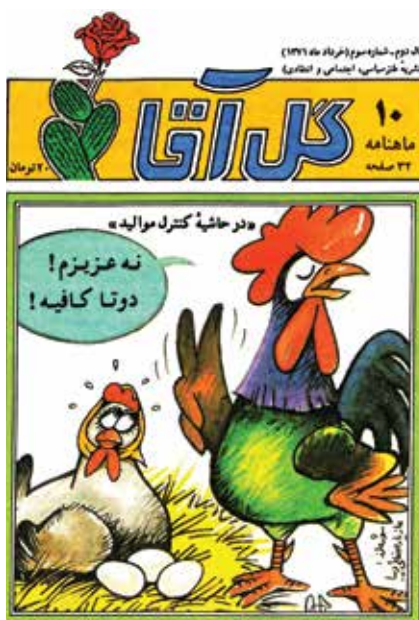


محمد اسدی

تعجب نکنید از اینکه گل آقا با این حجم از محبوبیت در بین مردم، هیچگاه خود را در برابر نظام و انقلاب قرار نداد، چرا که به اعتقاد من او یک مبارز انقلابی بود در سنگر طنز.

کیومرث صابری فومنی آشنا با رنج و درد مردم بود و در اوج صراحت به بیان مشکلات کشور و عملکرد مسئولان می پرداخت که همین مسأله، هفته نامه گل آقا را به یکی از محبوب ترین نشریات تاریخ مطبوعات ایران تبدیل کرده است. به طور مثال نخستین شماره هفته نامه گل آقا در یک آبان ۱۳۶۹ و در تیراژ افسانه ای صدهزار نسخه به چاپ رسید که استقبال از نخستین شماره گل آقا به حدی بود که همه نسخه های آن شماره به فروش رفت و به چاپ دوم رسید. او در فضای بسته سیاسی دوره دولت سازندگی توانست پای بسیاری از وزیران دولت را به صفحه اول گل آقا بکشد و عملکرد آنها را نقد کند. اما چرا با وجود این حجم از محبوبیت نشریه گل آقا و شخصیت کیومرث صابری در جایگاه طنزپرداز و نقد مشکلات، او هیچگاه خود را مقابل نظام و انقلاب قرار نداد؟ بررسی شخصیت و عملکرد مرحوم صابری، پاسخ به این سؤال را بسیار ساده خواهد کرد. من اساساً اعتقاد دارم که «گل آقا» پیش از آنکه طنزپرداز باشد، یک شخصیت مسلمان متعهد است که خود را نسبت به ارزش های ملی و انقلابی متعهد می داند. اغراق نکرده ام اگر بگویم کیومرث صابری برای خدمت به کشور و انقلاب، وارد سنگر «طنز» شده است، تا بتواند از طریق بیان مشکلات و گره های کشور، به حل آنها کمک کند.

یک شاهد مهم برای این ادعا، نامه نگاری مهم کیومرث صابری با رهبر انقلاب در سال ۱۳۷۰ است؛ یعنی درست یک سال پس از آغاز انتشار هفته نامه گل آقا او در نامه ای به رهبر انقلاب، گزارش کار فعالیت یکساله این هفته نامه را ارائه می کند. همین رفتار مرحوم صابری، بیانگر این است که خود را نسبت به رهبر انقلاب و البته ارزش های ملی و مذهبی پاسخگو می داند. در بخشی از پاسخ رهبر انقلاب به نامه گل آقا آمده است که: «طنز صادق و دلسوزانه باید همه نقاط



معیوب، بخصوص آنها را که کمتر به چشم می آیند و آنها که بیشتر به علم و اطلاع همگان از آن نیاز هست، هنرمندانه ببیند و بنمایاند.» آیت الله خامنه ای در این نامه به صراحت اعتقاد دارد که رسالت طنز، بیان و نمایش نقاط معیوب است، البته طنزی که صادق و دلسوزانه باشد؛ یعنی هدف از بیان مشکلات، برطرف شدن آنها باشد نه اینکه آن را دستاویزی برای محبوبیت خود و بهانه ای برای متهم کردن انقلاب بدانند.

او در سال های حیات حضرت امام که ستون طنز دو کلمه حرف حساب را در روزنامه اطلاعات داشت، درست مثل یک سرباز عرصه فرهنگ و هنر، مرتب پیگیر نظرات امام خمینی (ره) درباره نوشته هایش بود. اومی گوید: «همیشه هر ماهی یکی دوبار تلفن به آقای دعایی می کردم و اصرار می دادم که دل پیرمرد را نرنجانده باشم. می گفت: نه! حاج احمد آقامی گوید مطلب را امام می خواند و خیلی هم خوش شان می آید.» البته ارادت گل آقا به حضرت امام بسیار عمیق بود. او بعد از پذیرش قطعنامه و در سال ۶۷ خطاب به مرحوم سید احمد خمینی که به او گفته بود خدا دلت را شاد کند که دل امام را شاد کردی گفته بود: «من فدای امام بشوم، حاضرم قلبم را پاره پاره کنم، بریزم پایش که ایشان یک لبخند بزنند.»

این یعنی کیومرث صابری فومنی پیش از آنکه یک طنزنویس باشد، گل آقا بود و معتقد به اصول و فرهنگ ملی و دینی، روحش شاد.

## آقای گل



افشار جابری

واقعاً که جسارت است. اینکه یکی مثل من در مورد یکی مثل ایشان بنویسد، خود از دلایلی است که اگر به آن فکر کنی، می خواهی تصویرت سیاه و سفید شود و رو به مجری بگویی «این دنیا دیگه به درد نمی خوره.» چیزی هم که الان می خوانید اصلاً «در مورد» گل آقا نیست، خیلی هنر کند «برای» گل آقا باشد. آن هم نه از آن جنسی که خدایی نکرده پشت میز کافه نمی دانم چه یک جعبه کوچک با روبان قرمز بگذارند جلویت و لبخندی

شیرین بگویند این «برای» شماست، نه. ما چیزی در خور پیشکش کردن نداریم. این از آن جنسی است که مثلاً تویی و چند گلدانی توری اعصاب و یک شمشیر کهنه، جایی که قرار است فقط یکی زنده بماند؛ آنجا اگر خیلی هنرمند باشی و صد تکه نشوی، تازه می توانی رویت را به سمت تماشاگران برگردانی و با کمی شانس با عشقت چشم تو چشم بشوی و با زبان بی زبانی بگویی این «برای» شماست، مرا هم در نظر بگیر.

از شما چه پنهان مدتی است پدر پیر فلک با کمک مادر گیتی قصد دارد فرزندی جدید را به عرصه طنز که نه، به بالاخانه من و چون من معرفی کند؛ ولی مگر می شود؟ هر چه می آید می شود معتاد کف تلگرام و هم کفو اینستاگرام یا زیرشاخه جذب حداکثری در توئیتر (و این آخری چه کلمه با مسمایی است نزد آنان که می اندیشند). طنز هنر است و برای طنز گفتن، اول باید هنرمند باشی. بیراه نیست که طبق فرموده، طنزی طنز است که بشود به عنوان نویسنده، آن را رویه روی سوزات بخوانی و طرف هم ضمن اینکه می خندد سرش را از شرم پایین بیندازد و بعداً بیاید در جلسه خصوصی کلی تشکر کند. نه اینکه از میان جمعیت بلند شود و همان طور که به سمت یورش می برد بگوید خر خودتی فلان فلان شده!

در طنز کف انتظار ما سقف سطح ایده آل است. یعنی به نظرم فضایی که ترسیم کردم حداقلش بود و کمتر از این نباید اصلاً حساب شود؛ گرچه می شود. این روزها همین که مجری نه چپ نه راستی مراسم از آن گوشه اشاره نکند «بابا اینجا خونواده نشسته به کم رعایت کن» باید خدا را شکر کرد. خدا را شکر کرد که آنکه زورش می رسد نویسنده را مجاب نمی کند یک سکانس گلاب دو آتیشه به رویان دستشویی هم به فیلمنامه اضافه کند. کم ندیده ایم فلانی را با هزار خواهش و التماس دعوت می کنند که دو دقیقه برود آن بالا کمی فضا را شاد کند ولی در انتها تنها به سؤالات مثبت هجده سال کودکان در سن رشد اضافه شده است. بله عزیز دل، این گونه است. فکرش را که بکنی می بینی گل آقا خوب کرد، آن نشریه باید تعطیل می شد تا بعضی ها حساب کار دستشان بیاید، تا گل آقا گل آقا بماند؛ اما اینها همه حدس و گمان است. صابری شاید رو به تک تک آدم هایی که اسمش را بیاورند بگوید «هر کسی از ظن خود شد یار من، از درون من نجست اسرار من.» می دانی چیست؟ ما را که غرورمان فرق سرمان و آستانه تحملمان کف پامان است، ما را چه به طنز؟ چه به هنر؟ چه به گل آقا؟ همان بهتر که بوق بزیم بلکه جلویی زودتر حرکت کند.



مشاور نخست وزیر وقت  
(نفر اول از چپ)  
کیومرث صابری فومنی

ویژه نامه بزرگداشت کیومرث صابری فومنی (گل آقا)

<http://irannewspaper.ir>

دوشنبه ۲۳ خرداد